



خیمه العزا؛ روایت ۱۳ سال عزاداری ماه محرم که به نیت یک شهید پا گرفت



زنجیره دوستی با امام حسین (ع)

خانواده ها کنار هم نشسته اند؛ پیرمردها و پیرزن ها، پدرها و مادرها و کودکانی که آرام آرام به جوار اضافه می شوند. چراغ ها که در کنار میدان جانباز روشن می شود، انگار بخشی از محله جان تاز، صندلی های یکی یکی پر و خالی می شود. سینی های چای میان جمعیت می چرخد و کودکانی که به از میان جمعیت دیده می شوند، کنار خادمان بزرگ تر خدمت و استکان های خالی را جمع می کنند. خیمه العزا، یک مراسم عزاداری ساده نیست؛ روایت سیزده سال همراهی نسلی از نوجوانان جوانان محلات مشهد است که در دهه اول محرم، با چند چادر مشکی در ابتدای خیابان هاشمیه، خیمه عزاداری برپا کردند و امروز یکی از بزرگ ترین مجالس مردمی را در حاشیه میدان جانباز برپا می کنند.

حمیده صفائی هنوز مراسم شروع نشده، اما نظم خیمه از دور به چشم می آید. جوان ها هر کدام گوشه ای از کار را گرفته اند؛ یکی صندلی ها را مرتب می کند، دیگری مسئول صوت است و آن یکی مشغول پذیرایی. انگار هر کس جای خودش را خوب می داند. در میان جمعیت، فقط بزرگ ترها نیستند که سهمی از برپایی مجلس دارند. پسر بچه های هفت هشت ساله با سینی های چای میان مردم رفت و آمد می کنند؛ همان هایی که شاید روزی تماشاگر این مراسم بودند و حالا خودشان بخشی از آن شده اند. بوی اسپند و چای تازه دم در فضا پیچیده است؛ جوان هایی که شال خدمت بردوش دارند، بی وقفه میان جمعیت رفت و آمد و پذیرایی می کنند. از پل عابر پیاده مقابل میدان که نگاه می کنیم، حلقه های منظم صندلی ها نظیر هر رهگذری را جلب می کند.



رسید. خبر شهادت مجید، برای خانواده سخت بود، اما پدر تصمیم گرفت یاد فرزندش را با خیرات و احسان زنده نگه دارد. او بخشی از دارایی خود را که هر سال برای امام حسین (ع) هزینه می کرد، به نیت مجید و در مسیر عزاداری صرف می کرد.

این نذر و خیرات سال ها ادامه یافت تا اینکه نسل بعدی خانواده، یعنی نوه های نوجوان، تصمیم گرفتند قدمی فراتر بردارند و خودشان خیمه ای برای عزاداری برپا کنند؛ آرزویی که در سایه حمایت پدر بزرگ و به نیت شهید مجید، کم کم به واقعیت پیوست.

به نیت شهید، به همت نوجوانان

نقطه شروع ماجرا به خانواده ثانوی برمی گردد، به اینکه عشق به اهل بیت (ع) در این خانواده، از نسلی به نسل دیگر منتقل شد. حاج خلیل ثانوی، بزرگ خانواده، مردی متدین و عاشق سیدالشهدا (ع) بود که هر سال برای امام حسین (ع) نذری می داد. اما سال ۱۳۶۴، نقطه عطفی در زندگی این خانواده بود. مجید، پسر دوم خانواده، که تازه دوره آموزشی سربازی را در تربت گذرانده بود، راهی سمنان شد و در منطقه دیواندره به شهادت

خیمه ای در حد وسع و توان

در میان خادمان، افرادی هستند که از سال های اول برپایی، با خیمه همراه بوده اند.

محمد کراچیان یکی از همان هاست که سال ها پیش تصمیم گرفتند کاری متفاوت انجام دهند. او که زمان برپایی اولین خیمه دوازده سال داشت، از روزهای اولیه این طور می گوید: سال ۱۳۹۲ به همراه برادرم و تعدادی از دوستان و بچه های مسجد ابوذر در خیابان آخوند خراسانی، تصمیم گرفتیم در ابتدای خیابان هاشمیه، خیمه ای برپا کنیم. آن زمان بیشتر بچه ها در سنین نوجوانی بودند. برادرم که از همه بزرگ تر بود، ۲۱ سال داشت. هدفمان این بود که کار فرهنگی انجام دهیم و فضای روضه و عزاداری را برای جوان ها و نوجوان ها فراهم کنیم. از طرفی می دانستیم توان برپایی هیئت

بزرگ را نداریم؛ برای همین تصمیم گرفتیم خیمه کوچکی در حد توان خودمان برپا کنیم.

کراچیان ریشه این فعالیت را در فضای خانوادگی خود می داند و می گوید: در خانواده ما تشویق ها همیشه رنگ و بوی امام حسینی داشت؛ از شرکت در روضه ها گرفته تا سفرهای زیارتی به کربلا. همین باعث شد مسیر زندگی ما به این سمت کشیده شود.

او تعریف می کند: اولین پرچم های سیاهی که برای خیمه استفاده کردیم، چادرهای مشکی زنانه ای بود که از فامیل گرفته بودیم. خرید سماور برایمان سنگین بود؛ برای همین در دیگ آب جوش درست می کردیم. برای پذیرایی هم از لیوان های پلاستیکی استفاده می کردیم. آن روزها جمع کوچکی داشتیم؛ حدود ده پانزده نفر. دو سال اول، خیمه در ابتدای خیابان هاشمیه نزدیک ایستگاه مترو برپا شد و پس از آن به محل فعلی در حاشیه میدان جانباز آمدیم.

در حال گسترش است. کراچیان می گوید: آن روزها فقط چند نوجوان بودیم. اما امروز بیش از ۲۵۰ نفر به صورت مستقیم در برگزاری مراسم مشارکت دارند. بسیاری از دوستان، بستگان و اهالی محله به این مجموعه اضافه شده اند و اکنون حدود هفتاد درصد اعضا را جوانان بومی محله جانباز تشکیل می دهند. مهم ترین ویژگی هیئت این است که در ابتدای کار، همه جوان و نوجوان بودند و اکنون هم بسیاری از خادمان هیئت جوان هستند.

به برکت خون شهید

یکی از نکات مهمی که خیمه العزا را از دیگر مجالس متمایز می کند، ریشه گرفتن آن در یاد و نام یک شهید است. شهید مجید ثانوی، دایی محمد کراچیان که سال ۱۳۶۴ به شهادت رسید، نامی است که بر ستون اولیه این خیمه می درخشد. کراچیان با اشاره به نقش شهید در شکل گیری این مجموعه می گوید: بعد از شهادت دایی ام، پدر بزرگم قسمتی از مالش را گذاشت تا به نیت او در مناسبت های مختلف خرج کنند. او ایل که خیمه برپا کرده بودیم. پدر بزرگم، حاج خلیل ثانوی، کارت بانکی اش را در اختیارمان می گذاشت و می گفت هر چه می خواهید برای هیئت بخرید. از همین کارت خرید کنید. شاید بیراه نباشد بگویم نهال این روضه به یاد شهید کاشته شد.



مجتبوی می گوید: راز ماندگاری خیمه در همین روحیه جمعی نهفته است. دوستان و رفیقان به مرور زمان به مجموعه اضافه شدند و هر کدام مسئولیتی را بر عهده گرفتند. امروز برای هر بخش، نیروی مشخصی وجود دارد و همه کارهای هیئت از یک ماه قبل برنامه ریزی می شود. به گفته او، زنجیره ای که سال ها پیش با چند نوجوان شکل گرفت، همچنان

از ۷ نوجوان تا ۲۵ خادم

سید فخرالدین مجتبوی، از اولین برپاکنندگان خیمه، روزهایی را به یاد می آورد که فقط هفت نفر بودند و با شور و شوق جوانی، خیمه ای به نام «خیمه العزا» را ثبت و راه اندازی کردند. او تعریف می کند: حدود هفده سال داشتیم. می خواستیم در کنار هیئت های محله، کار متفاوتی انجام دهیم. سن و سالمان کم بود و تجربه ای نداشتیم. حتی پذیرایی از مردم برایمان استرس داشت.

خاطرات آن روزها هنوز برایش زنده است: روزهایی که امکانات محدود بود و هر شب با چالشی تازه روبه رومی شدند. سید فخرالدین تعریف می کند: یک شب آب قطع شده بود و برای آماده کردن چای و پذیرایی، از این طرف و آن طرف گالن های آب جمع می کردیم و می آوردیم تا پذیرایی مان معطل بی آبی نماند. همیشه تلاش می کردیم بهترین کار ممکن را برای امام حسین (ع) انجام دهیم. شاید امکانات زیادی نداشتیم. اما دلمان می خواست هر کاری که انجام می دهیم، بهترین باشد.